

تحولات جمعیتی و اجتماعی  
در امر همسرگزینی طی سه  
نسل  
در خانواده ایرانی

تقی آزاد ارمکی: دکتری جامعه‌شناسی - عضو هیئت علمی

گروه جامعه‌شناسی و رئیس دانشکده علوم اجتماعی - دانشگاه تهران - 8012111

طاهره خزاعی: فوق لیسانس جامعه‌شناسی - کارشناس ارشد تحقیقات اجتماعی

موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی - دانشکده علوم اجتماعی - دانشگاه تهران - 8000348

مهناز زند: فوق لیسانس جامعه‌شناسی - کارشناس ارشد تحقیقات اجتماعی

موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی - دانشکده علوم اجتماعی - دانشگاه تهران - 8000348

## چکیده :

در ایران در گذشته نه چندان دور، شکل و کارکرد خانواده فقط متأثر از ارزشهای فرهنگی و نظامهای معیشتی موجود در جامعه بوده، اما امروزه از سویی به لحاظ ارتباطات گسترش یافته جهانی و از سوی دیگر به دلیل ساخت یابی (Structuration) خانواده در انطباق با تحولات سیاسی و فرهنگی جامعه، عوامل داخلی و بین المللی متعددی را می توان برشمرد که هر یک به نحوی بر دگرگونی ساخت و نوع انتظام کارکردی خانواده تاثیر می گذارند و نیز تغییرات خانواده به نوبه خود بر نوع ارتباطات داخلی و خارجی جامعه اثر می گذارد.

موضوع مقاله حاضر، بررسی ویژگیها و شیوه های همسرگزینی طی سه نسل خانواده ایرانی است.

سؤال اصلی موضوع فوق، این بوده است که: آیا هنجارها و مراسم مترتب بر امر همسرگزینی و ازدواج، بمثابه عامل تداوم و پایداری نهاد خانواده، همگام با تحولات و دگرگونیهای اجتماعی همه جانبه دچار تحول شده اند؟ برای مثال یک ادعای نظری در این بررسی این بود که: بنظر می رسد با بالا رفتن سطح تحصیلات، و اشتغال زنان و نیز با توجه به روند دگرگونی ساختار خانواده به سمت "خانواده هسته ای"، نقش و منزلت زنان در تصمیم گیریها در خانواده و جامعه ارتقاء یافته است.

هدف از این بررسی، مطالعه تطبیقی در مورد سن ازدواج، دفعات ازدواج، علت ازدواجهای مجدد، دایره و دامنه همسرگزینی شامل: نحوه آشنایی با همسر، نسبت همسر، و نیز نسبت افراد دخالت کننده در انتخاب همسر در میان افراد سه نسل<sup>N</sup> متوالی بوده است.

این مطالعه با استفاده از روش تحقیق پیمایشی و از طریق تکمیل پرسشنامه انجام شده است.<sup>NN</sup> روش نمونه گیری در این بررسی با توجه به ویژگیهای مورد انتظار در جامعه آماری عبارت بوده است از: روش چند مرحله ای، سهمیه ای، تصادفی سیستماتیک. بمنظور تحلیل نتایج آماری از روشهای: محاسبه همبستگی، کای اسکوئر، ضریب پیرسون، کرامرزوی و... استفاده شده است.

---

<sup>N</sup> تعریف علمی نسل در متن مقاله آمده است.

<sup>N</sup> مطالب و اطلاعات این مقاله بخشی از نتایج يك طرح پژوهشی تحت عنوان: "بررسی تحولات فرهنگی اجتماعی خانواده های ساکن در شهر تهران طی سه نسل است" که در سال ۱۳۷۹ در موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران اجرا شده است.

بطور اجمالی نتایج تحقیق نشان می دهد که ویژگیهای مورد نظر در طی سه نسل در همه موارد بشکل خطی تغییر نکرده اند و در مواردی نیز مطابق فرضهای بررسی نبوده اند. برای مثال، نتایج آماری نشان دهنده اهمیت بیشتر نقش دخالت کننده (پدر) در انتخاب همسر برای فرزندان در مقایسه با نقش (مادر) در این امر در هر نسل می باشند.

## بیان مساله - اهمیت و ضرورت موضوع

آینده خانواده، دوام و یا فروپاشی آن، همواره از مهمترین دل مشغولی های جامعه شناسان بوده است. این توجه از بعد از جنگ جهانی دوم به دلیل شدت یابی دگرگونی های خانواده به نحو چشمگیری فزونی یافته است. یکی از مهمترین دلایل مطالعات جامعه شناختی خانواده در این سالها پیش بینی موقعیت خانواده در آینده و یافتن پاسخی برای این پرسش بوده است که:

کودکان فردا در نبود خانواده، که قرنهایست اولین مامن و ماوای نشو و نماي انسانها بوده است چگونه و در کجا زندگی را آغاز کرده و آنرا ادامه خواهند داد؟ و شاید مهمترین دلایل این دل نگرانی ها، تحولات و دگرگونی های فراوانی است که بمرور تقریباً در تمامی ابعاد و زوایای ساختی - کارکردی خانواده بویژه در کشورهای صنعتی بوجود آمده است، بنحویکه بنظر می رسد که نشانه های جدی از هم پاشیدگی این کانون دیرپای اجتماعات انسانی در بسیاری از جوامع نوین ظاهر شده است، و بر مبنای آنها جامعه شناسان و دانش پژوهان نظرات و دکترین هایی ارائه کرده اند که پیوستاری گسترده از نظرگاه های مربوط به ((تداوم و پایداری خانواده)) تا ((مرگ خانواده)) را در برمی گیرد.

اگر چه شدت و میزان این تحولات در همه جوامع همسان نیست و درجات مختلفی بر آن مترتب است، اما در شرایط کنونی، به لحاظ ارتباطات جهانی و نیز بروز تحولات و دگرگونی های کم و بیش مشابه و با شدت و ضعفهای مختلف در اکثر جوامع زمینه هایی وجود دارند که ضرورت پرداختن به موضوع خانواده را به منظور آگاهی و شناخت عوامل سست کننده بنیاد خانواده، گوشزد می کنند.

در ایران در گذشته نه چندان دور، شکل و کارکرد خانواده فقط متأثر از ارزشهای فرهنگی و نظام های معیشتی موجود در جامعه بوده اما امروزه از سویی به لحاظ ارتباطات گسترش یافته جهانی و از سوی دیگر به دلیل ساخت یابی (Structuration) خانواده در انطباق با تحولات سیاسی و فرهنگی جامعه عوامل داخلی و بین المللی متعددی را می توان برشمرد که هر یک به نحوی بر دگرگونی ساخت و نوع انتظام کارکردی خانواده تاثیر می گذارند و نیز تغییرات خانواده به نوبه خود بر نوع ارتباطات داخلی و خارجی جامعه اثر می گذارند.

اگر در گذشته تغییرات خانواده ایرانی عمدتاً در جهت گسترش شهرنشینی، تقویت خانواده هسته ای و استقلال این نوع خانواده از شبکه خویشاوندی، جدایی محل کار از محل زندگی، کاهش بعد خانوار، افزایش قدر نسبی اشتغال زنان در خارج از محیط خانه بوده است، امروزه سرعت و بلکه جهت گیری های تغییر روند کم و بیش متفاوتی را نشان می دهد. برای مثال کاهش بار عاطفی خانواده، تقلیل بر همکنش بین اعضای خانواده، نظایر اینها را بر خانواده نام برد، و نیز تغییر در نقش های جنسی در خانواده، پیدایش مولفه های جدید از قبیل کارکردهای جدید، تقویت نیروهای جوانان و زنان در ایفای نقش های اجتماعی فرهنگی جدید و متعدد و ... از نمودهای مهم تغییر در نهاد خانواده ایرانی هستند.

### هدف

هدف از بررسی، مطالعه تطبیقی موقعیت افراد سه نسل مورد بررسی به لحاظ سن ازدواج، دفعات ازدواج، علت ازدواجهای مجدد، دایره و دامنه همسرگزینی شامل: نحوه آشنایی با همسر، نسبت با همسر و نیز نسبت افراد دخالت کننده در انتخاب همسر است.

### تعریف عملی نسل

سه نسل متوالی در این بررسی شامل سه گروه می باشند:

نسل اول: والدین پاسخگو، و والدین همسر پاسخگو.

نسل دوم: پاسخگو و یا همسر او .

نسل سوم: آخرین پسر متاهل و همسر او، و آخرین دختر متاهل و همسر او.

### ادعای نظری:

در این پژوهش پایه ای ترین پیش فرض نظری که خود مبتنی بر شواهد و تجارب تاریخی - فرهنگی است آنست که:

((قابلیت تغییر پذیری و میل به دگرگونی را می باید به عنوان یکی از مولفه های ذاتی نهاد خانواده مورد

توجه قرار داد. اما در عین حال نکته کلیدی و پارادوکسیکال این رابطه این است که خانواده به رغم این تغییر

پذیری و نیز همه شکلها و انواع متنوعی که از ابتدای پیدایش جوامع بشری تا کنون به خود گرفته است . کماکان خانواده باقی مانده است.))

رویکرد این پژوهش به تحولات خانواده در این پیش فرض عمدتاً متأثر است از دیدگاه تالکوت پارسونز (کارکردگرایی ساختنی) و لوئیس کوزر (تضادگرایی) می باشد.

در مکتب کارکردگرایی که بسیاری از بنیانگذاران جامعه شناسی از قبیل کنت، دورکهایم، پارسونز و مرتون در آن طبقه بندی می شوند، خانواده نهادی است که وجود بقای آن وابسته به وظایف و کارکردهایی است که بر عهده دارد. بر اساس این دیدگاه مهمترین وظیفه و کارکرد خانواده، اجتماعی کردن اولیه افراد و آماده کردن آنها برای پذیرش قواعد مربوط به زندگی اجتماعی است.

علاوه بر این، نهاد خانواده تاکنون تامین برخی از اولیه ترین و اساسی ترین نیازهای اعضاء از قبیل نیازهای عاطفی ، تغذیه، نیازهای جنسی و حمایت و پشتیبانی را به عهده داشته است و طبیعتاً تا هنگامی که تامین همه یا بخشی از این نیازها را به عهده داشته باشد به رغم تحولات و تغییراتی که در شکل و ساختار آن پدید می آید، همچنان برقرار خواهد ماند. کارکردگرایی ضمن پذیرش پایداری نسبی برای شالوده نهاد خانواده، به نسبت دیگر رویکردهای جامعه شناختی ، بیشترین امکان دگرگونی را برای این نهاد بر حسب نحوه انجام وظیفه (کارکرد) های محوله قایل است. از آنجا که نمی توان تصور کرد که مثلاً کارکرد اجتماعی کردن اولیه فرزندان یعنی آماده سازی آنها برای حضور فعال و بهنجار در جامعه و انجام وظایف محوله، همواره و در همه جوامع به یک نحوه و شکل مورد نیاز یا قابل انجام بوده است، بنابراین می توان پذیرفت که در هر دوره یا در هر جامعه خاص متناسب با این وظیفه یا سایر نقشها و کارکردهایی که جامعه بر حسب نیازهای خود به خانواده محول می کند، خانواده نیز ضمن ثبات و پایداری شالوده های آن، از لحاظ شکلی و وظیفه وضعیت و جهت گیری خاصی پیدا کند که آن را از دوره زمانی و یا جامعه دیگر متمایز می سازد.

دیدگاه کارکرد گرایی سه پرسش اصلی را در زمینه خانواده مطرح می کند (هارلامبوس، 1991 : صفحه

## 1- کارکرد خانواده چیست؟

جامعه دارای نیازهای اساسی است که برای بقاء و کارآیی و فعال بودن آن می بایست برآورده شود و خانواده نشان داده است که می توان به درجات مختلف و بر حسب الزامات هر دوره به این نیازها پاسخ دهد.

## 2- چه نوع رابطه کارکردی بین خانواده و سایر اجزاء نظام اجتماعی وجود دارد؟

فرض بر این است که اگر جامعه بخواهد کارآ باشد باید درجه معنی داری از تناسب و همبستگی بین قسمتها یا اجزاء نظام اجتماعی وجود داشته باشد و از آنجا که خانواده یکی از بنیادی ترین واحدهای اجتماعی است نوع رابطه آن با کل نظام اجتماعی و سایر نهادهای جامعه از اهمیت زیادی برای حفظ نظم و تامین وفاق اجتماعی - مهمترین مساله مورد نظر کارکردگرایان - برخوردار است.

3- کارکردهایی که از طریق یک نهاد اجتماعی یا بخشی از اجتماع برای تک تک افراد عضو آن اجرا می شود کدامند؟

کارکردگرایان کارکردهای خانواده را تنظیم رفتار جنسی، جایگزین کردن اعضاء جامعه از نسلی به نسل دیگر، جامعه پذیر کردن افراد خانواده، مراقبت و نگهداری از فرزندان و دیگر اعضاء خانواده، تعیین جایگاه اجتماعی و حمایت عاطفی از اعضاء می دانند. (رابرتسون، 1374:314).

ساخت گرایان که بر جسته ترین نماینده شان کلودلوی اشتراوس است، عمدتاً به تحلیل ساخت و شبکه ارتباط درون خانواده و مولفه های مرتبط با آن از قبیل ازدواج، و خویشاوندی توجه نشان می دهند اما در این راستا به خلاف کارکردگرایان به پیشینه تاریخی نهاد خانواده نیز بی توجه نیستند و در نتیجه در رویکردشان به خانواده تحول و دگرگونیهای این نهاد نیز جزئی از الزامات اولیه تحلیل به شمار می آید. از دیدگاه ساخت گرایی خانواده گروه کوچک و یا یک خرده نظام (Subsystem) مستقل و متمایز از اجتماع کل نیست بلکه به خرده نظامهای دیگر و کل نظام اجتماعی وابسته بوده و با آنها رابطه ساختی و سیستمی دارد. به این معنی که خانواده نیز مانند دیگر اجزاء و مولفه های نظام اجتماعی متناسب با اهداف جامعه شکل گرفته و همبستگی های ویژه ای میان آن و کل نظام از یکسو و دیگر اجزاء و مولفه های ساختی نظام از سوی دیگر برقرار است به نحوی که اولاً دگرگونی هر

یک از اجزاء نظام اجتماعی تغییرات متناسبی را در ساخت و ترکیب خانواده و وظایف آن موجب می شود و ثانیاً خود این نهاد نیز به مثابه یکی از اجزاء اساسی نظام کل با تغییرات خود، آثار متناسبی را بر اجزاء دیگر و نیز مجموعه آنها باقی می گذارد.

در نگرش ساخت گرایانه به خانواده بیش از آن که کارکردهای خانواده، مورد نظر باشد ساخت آن و نیز شبکه روابط موجود میان آن نظام اجتماعی مورد توجه قرار می گیرد و تغییرات خانواده نیز عمدتاً از ابعاد ساختی و در ارتباط با تغییرات ساختار کل نظام اجتماعی و بر حسب دگرگونی روابط میان اجزاء این نظام تحلیل می شود. با توجه به اصول شالوده ای ساخت گرایی می توان پذیرفت که خانواده نیز نظیر هر ساخت دیگری نمونه های فراوان دارد که فقط در مجموعه های اجتماعی خاص، با شناسنامه های زمانی و مکانی معین، امکان بروز می یابد. به سخن دیگر الزامات هر نظام اجتماعی که بسته به شرایط زمانی و مکانی و فرهنگی آن مشخص و در قالب قراردادهای اجتماعی متجلی می گردد، فقط برای ظهور و تکوین ساخت یا ساختهای خانوادگی خاصی مناسب است که در سازگاری با این شرایط پدید می آیند و بتدریج همراه با دگرگونیهای الزامات نظام کل این ساختها نیز دگرگون می شوند و شکلهای جدیدتری را می پذیرند. به طور مثال از دید استروس ((منع زنا با محارم)) (incest) نخستین نوع قرار داد اجتماعی است که مبین گذار جامعه از مرحله طبیعی به مرحله فرهنگی است و موجب پیدایش شکلهای متنوع خانواده می شود که بر مبنای دو سنخ عمده ((مبادله محدود)) و ((مبادله عام)) بنا شده اند. (تقوی، 1374: ص 22).

در دیدگاه تضاد هم پیشینه تاریخی و هم ساخت و هم کارکرد خانواده مورد توجه است. اگر چه در بین صاحب نظران مکتب تضاد از حیث نحوه نگرش به خانواده (و دیگر نهادهای اجتماعی) اختلاف نظر زیادی به چشم می خورد اما این اختلاف عمدتاً معطوف به نظرگاه تحلیل است و به بنیان و شیوه نگرشی که مبتنی بر جستجوی جنبه های متعارض بمثابه عامل پیش برنده تغییر و تحول در این نهاد است مربوط نمی شود. بطور مثال مارکس و انگلس به جنبه های منفی تضاد مستتر در نهاد خانواده، یعنی مثلاً واقعیت نابرابری و تبعیض جنسی توجه دارند در حالی که کوزر، یکی دیگر از نمایندگان حوزه فکری تضادگرایی، به جنبه های مثبت آن یعنی به کارکردهای



اجتماعی این تضاد نظر می کند و از دید او آن دسته از جنبه های تضاد و تعارض موجود در خانواده که امر انطباق و سازگاری اعضاء با جامعه و نظام اجتماعی را تسهیل و تسریع می کند، واجد اهمیت است. هدف او این است که نشان دهد چگونه تضاد موجب ثبات، توازن و اتحاد نظام های اجتماعی و روابط اجتماعی می شود. بدین ترتیب کوزر به خلاف مارکس و انگلس به جنبه های منفی از قبیل اجحاف، بهره کشی، ستم و تبعیض در خانواده توجه ندارد بلکه آن را بمثابه یک واحد کوچک اجتماعی می نگرد که در طول زمان بر پایه انطباق و سازگاری کارکردهایش در روابط اجتماعی موجبات پایداری و بقای اجتماعی را فراهم می سازد (ادیبی - انصاری، 1358:129 و 130).

ماهیت موضوع و پیش فرض پژوهش که ضرورت پیگیری روند تحولات و دگرگونی ها را در طول زمانی مفروض (طی سه نسل متوالی گذشته) ایجاب کرده است، روش شناختی طرح را در بکارگیری روش های بررسی اسنادی، پیمایشی و تکنیکهای مصاحبه و اتکاء به حافظه ها و خاطره ها بمثابه منابع اطلاعاتی بدون جایگزین بمنظور مقایسه در طول زمان نیز توجیه می نماید.

### روش بررسی\*

این مطالعه با استفاده از روش تحقیق پیمایشی و از طریق تکمیل پرسشنامه انجام شده است.

جامعه آماری مورد نظر شامل سه گروه زیر بوده است:

۱) خانواده های ساکن در هر یک از مناطق 22 گانه شهر تهران که سن سرپرست خانواده با همسر او بین

45 تا 70 سال بوده و دارای حداقل یک فرزند دختر و یا پسر می باشند.

۲) والدین روسای خانواده های مذکور و والدین همسران آنها (پدر و مادر شوهر، پدر و مادر زن).

۳) آخرین فرزندان متاهل خانواده های مذکور و همسران آنها (پسر و عروس - دختر و داماد).

حجم نمونه مورد مطالعه (پاسخگویان) با استفاده از فرمول کوکران تعیین و رقمی معادل 378 خانوار بدست

آمد.

---

\* برای اطلاع بیشتر به گزارش تحقیقی [ " بررسی تحولات فرهنگی اجتماعی خانواده تهران طی سه نسل " . دکتر تقی آزاد ارمکی مهناز زند - طاهره خزاعی. موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، پاییز ۱۳۷۹. ] مراجعه شود.

روش نمونه گیری در این بررسی با توجه به ویژگیهای مورد انتظار در جامعه آماری عبارت بوده است از روش چند مرحله ای، سهمیه ای، تصادفی سیستماتیک.

بمنظور تحلیل نتایج آماری از روشهای: محاسبه همبستگی، کای اسکوئر، ضریب پیرسون، کرامرزوی، کندال تای، B و C.... استفاده شده است.

### مروری بر اهم مطالعات پیشین

در خصوص موضوع خانواده، در ایران نیز مطالعات و تحقیقات بسیاری در قالب کتاب، گزارش تحقیقی، پایان نامه و مقاله انجام شده است.

در اغلب این آثار، سیر تطور تاریخی خانواده و انواع آن به اتکاء به منابع مکتوب مورد مطالعه قرار گرفته اند، و موضوعات پژوهش های میدانی انجام شده در این زمینه در مقاطع زمانی و مکانی خاص و موردی بررسی شده اند.

در میان منابعی که مورد بازبینی قرار گرفته اند و از مهمترین آثار موجود درباره ی موضوع خانواده در ایران می باشند به نمونه ای که به مطالعه ی تطبیقی خانواده ایرانی در طی سه نسل و به روش پیمایشی پرداخته و تحولات و دگرگونیهای پدید آمده در ابعاد مختلف این نهاد را مورد بررسی قرار داده باشد بر نخورده ایم.

در واقع وجه تمایز پژوهش حاضر با این منابع در رویکرد مقایسه ای آن به ویژگیهای ساختاری - کارکردی خانواده و خویشاوندی در ایران و تحولات و دگرگونی های آنها در یک دوره ی زمانی نزدیک به یک قرن و عمدتاً بر مبنای اطلاعاتی که ضمن مصاحبه با افراد گرد آوری شده اند، می باشد.

از جمله منابعی که در این زمینه باربینی شده اند می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- کتاب ((مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده))، نوشته دکتر باقر ساروخانی، از انتشارات سروش.

نویسنده با رویکرد تاریخی سیر تطور نهاد خانواده، انواع آن، نقش و کارکرد اعضاء آیین ها و روابط درونی آن و... از شکل گیری اولیه تا به امروز را مورد بررسی و تبیین قرار داده و در مواردی نیز بر نتایج حاصله از تحقیقات میدانی استناد نموده است.

- کتاب **((بررسی تطبیقی تغییرات ازدواج))** نوشته دکتر محمد صادق مهدوی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. نویسنده در این کتاب به بررسی مشکلات ازدواج جوانان در شهر تهران پرداخته است. تاثیر عوامل اثرگذار مختلف از جمله عوامل فردی، خانوادگی، گروه مرجع، پایگاه اجتماعی، ارزشها، توقعات و انتظارات، احساس محرومیت نسبی، نحوه ی گذران اوقات فراغت مورد مطالعه قرار گرفته است.

در این بررسی به روش پیمایشی و در شهر تهران به تغییرات ازدواج نگاه شده است. در سطوح کلی پژوهش حاضر نیز با بررسی فوق در 3 مورد ذکر شده تشابه دارد، و در عین حال علاوه بر آن موارد متعدد دیگری پرداخته که در کتاب یاد شده مشاهده نمی شود.

- کتاب **((جامعه شناسی تاریخ خانواده))** اثر مارتین سگالن ترجمه ی حمید الیاسی از انتشارات نشر مرکز، منبع دیگری است که نشان می دهد که نقش ها و مسائل خانواده و روابط بیرونی و درونی آن در طول تاریخ فراز و نشیب های بسیاری را گذرانده و شکل های گوناگون یافته ولی خانواده همچنان نهادی پویا و مقاوم است که به تناسب شرایط اجتماعی و تاریخی تحولاتی می پذیرد که با تحولات جامعه وفاق دارد. در این کتاب به برخی از متغیرها و مولفه ها از منظر مردم شناسی نگریسته شده است. مطالب این کتاب عمدتاً بر پایه ی اسناد و مدارک مکتوب موجود تهیه و تنظیم شده اند و کمتر مبنای پژوهش میدانی دارد.

- کتاب **((جامعه شناسی خانواده، با تکیه بر نقش و ساختار و کارکرد خانواده در دوارن معاصر))** نوشته دکتر شهلا اعزازی.

این کتاب مطالبی در مورد ویژگیهای خانواده امروزی و تاثیرات متقابل جامعه و خانواده بر یکدیگر را ارائه می کند. در مقدمه کتاب نظریه های مربوط به خانواده مرور شده است. در بخش اول ویژگیهای خاص خانواده گسترده (شامل سه نسل و بیشتر) مورد بررسی قرار گرفته است و توجه عمده در این بخش به علل زندگی افراد خانواده گسترده در زیر یک سقف است، و سعی شده است تا از این طریق بتوان اقتدار پدران و فرمانبرداری سایر اعضا از آنها را درک نمود.

در بخش دوم خانواده هسته ای و در بخش سوم دگرگونی در نقش های اعضا خانواده مورد بررسی قرار گرفته اند. کارکرد اجتماعی خانواده ی هسته ای در بخش چهارم مطرح شده است که عمدتاً به نقش تفاوت های اقشار مختلف جامعه در این مورد پرداخته شده است. پدیده ی خشونت در خانواده که در سالهای اخیر موضوع مورد توجه در حوزه مطالعات خانواده بوده است در بخش پایانی این کتاب بررسی شده است.

بطور کلی، مطالب بخش های سوم و چهارم این کتاب به لحاظ موضوعی با مطالعه حاضر نزدیک است.

- کتاب (( ساختهای خانواده و خویشاوندی در ایران )) دکتر جمشید بهنام که در سال 1352 منتشر

شده است.

- کتاب (( شکل و تحول خانواده در ایران )) نوشته دکتر مهدی امانی منتشر شده در سال 1349.

مطالب 2 کتاب اخیر هر یک رویکرد های متفاوت جامعه شناسی و جمعیت شناختی به تحولاتی که به لحاظ

انواع و اشکال خانواده، نقش و کارکرد آن و اعضاء، ارتباط درونی بین اعضاء، ابعاد خانواده، و ویژگیهای جمعیتی که

در خانواده پدید آمده بودند، دارند.

## مقایسه تطبیقی ویژگیهای مورد مطالعه در سه نسل

جنس:

جدول شماره 1، توزیع فراوانی افراد در مورد مطالعه که تعداد کل آنها 3476 نفر می باشد را به تفکیک

جنس نشان می دهد:

جدول شماره 1: توزیع فراوانی افراد سه نسل به تفکیک جنس

جمع درصد	مرد فراوانی	زن فراوانی	جنس	
			نسل	
0/0 44	383	—	پدر پاسخگو	
	—	383	مادر پاسخگو	
	383	—	پدر همسر پاسخگو	
	—	383	مادر همسر پاسخگو	
0/0 22	126	257	پاسخگو (واحد پایه مصاحبه)	
	257	126	همسر پاسخگو	
%34	266	—	آخرین پسر متاهل پاسخگو	
	—	266	آخرین عروس پاسخگو	
	—	323	آخرین دختر متاهل پاسخگو	
	323	—	آخرین داماد پاسخگو	
0/0 100 3476	0/0 50 1738	0/0 50 1738	جمع	

بیش از 67 درصد پاسخگویان زنان خانواده بوده اند و 33 درصد شان مردان خانواده ها بوده اند. این امر با

این دلیل بوده است که واحد و محل مورد مراجعه جهت مصاحبه و جمع آوری اطلاعات منزل مسکونی بوده است و

با توجه به اینکه مردان خانواده ساعات کمتری در طول روز و زمان قابل مراجعه برای پرسشگران در منازل داشته

اند طبیعی است که مصاحبه و تکمیل پرسشنامه با زنان امکانپذیرتر باشد.

نکته قابل ذکر دیگر نابرابری تعداد افراد 2 نسل اول و سوم با نسل دوم است. گذشته از اینکه در نسل دوم فرد با افرادی که دارای رابطه ی منطقی از نوع رابطه والدین با فرزندان، با پاسخگویان و همسران آنها باشند وجود نداشت دلیل انتخاب تعداد بیشتر افراد در نسل های دیگر این بود که با اینکار در مجموع از میزان پاسخهای میدانم، بیادام نیست، و... توسط پاسخگو تا اندازه ای کاسته شود. بعنوان مثال اگر پاسخگو پدرش را در زمان کودکی اش از دست داده بوده و بسیاری از سئوالات مربوط به او را نمی دانسته این امکان باشد که لااقل همان سئوالات را در مورد پدر همسرش بداند و پاسخ دهد.\*

### سن:

#### نسل اول:

در میان مردان نسل اول حدود 60 درصد افراد در قید حیات نیستند. کم سن و سال ترین مردان نسل اول 60 ساله (2نفر) و مسن ترین آنها 110 ساله می باشد. بیشترین تراکم این افراد در گروههای سنی 66 تا 76 و بعد 76 تا 86 سالگی بچشم می خورد. در مقابل بیش از 50 درصد زنان نسل اول در قید حیات نیستند. 21/1 درصد این زنان قبل از 50 سالگی فوت کرده اند. این میزان در مردان 13/9 درصد می باشد. در حالیکه 65/5 درصد زنان متوفی در این نسل در سنین بالاتر از 61 سالگی فوت کرده اند و این میزان در میان مردان این نسل 67/5 درصد می باشد. طبق این آمار میزان مرگ و میر زنان نسل اول در فاصله سنی 40 - 50 سالگی بیش از مردان این نسل است.

کم سن ترین این نسل 52 ساله و مسن ترین آنها 105 می باشند. گروه سنی 66 تا 76 سالگی پرجمعیت ترین گروههای سنی ایشان است.

#### نسل دوم:

---

\* . علت اینکه تعداد جمع افراد مورد مطالعه کمتر از میزان  $383 \times 10 = 3830$  است اینست که همه ی پاسخگویان ما دارای هم دختر و هم پسر متاهل نیستند. برخی از آنها فقط دارای یکی از آنها بوده اند که در واقع شرط انتخاب نمونه نیز داشتن حداقل يك فرزند متاهل بوده است.

در میان مردان نسل دوم بیشترین تراکم در گروه سنی 56 تا 55 سالگی دیده می شود. جوانترین مردان نسل دوم 45 ساله و مسن ترین آنها 95 ساله هستند.

کم سن ترین زن نسل دوم 35 ساله و مسن ترین آنها 99 ساله هستند (2 نفر). بیشترین تراکم این زنان در گروه سنی 46 تا 55 سالگی می باشد.

14 درصد افراد این نسل (در گروه همسران پاسخگویان) در قید حیات نیستند. از این تعداد  $1/3$  درصد زن و  $12/7$  درصد مرد می باشند.

یک درصد از این زنان قبل از سن 40 سالگی شان فوت کرده اند .

این میزان در میان مردان این نسل  $0/8$  درصد می باشد.

در مقابل  $0/26$  درصد از زنان و  $6/0$  درصد از مردان این نسل بالاتر از سن 61 سالگی فوت کرده اند . در این نسل نیز میزان مرگ و میر زنان در سنین پائین تر (زیر 40 سالگی ) بیش از مردان است.

## نسل سوم:

در میان مردان نسل سوم تنها یک مورد فوت شده وجود دارد. این فرد آخرین داماد یکی از پاسخگویان است که در 42 سالگی فوت کرده است.

پائین ترین سن در میان مردان این نسل 20 سال و بالاترین آن 56 سال می باشد. بیشترین تراکم این افراد در گروه سنی (26 - 35) سالگی است که با سایر گروههای سنی از حیث فراوانی تفاوت قابل توجهی دارد (61/8 درصد).

در میان زنان نسل سوم جوان ترین آنها 14 ساله و مسن ترینشان 54 ساله می باشند. در میان این زنان 2 گروه سنی (16 - 25) و (26 - 35) بطور برابر نسبت به سایر گروه های سنی بیشترین فراوانی را دارا می باشند.





## سن ازدواج

متون تاریخی و سفر نامه ها که بعضاً شرح حال سلاطین وقت می باشد نشان می دهد که در گذشته سن ازدواج در ایران پایین بوده است. در تاریخ دوره قاجاریه آمده است که در بین اشراف آن دوران سن ازدواج پایین بوده است. خواهر ناصرالدین شاه که همسر صدراعظم او امیرکبیر بود در سن 12 سالگی به عقد امیرکبیر که مرد میان سالی بود درآمد. همچنین دختر ناصرالدین شاه تاج السلطنه در زمان عقد 8 ساله بوده است. (اعزازی: ص 55). تاکید اسلام هم به ازدواج عامل مهمی در پایین بودن سن ازدواج بشمار می آمد.

مرکز آمار ایران در سال 1370 سن ازدواج را برای مردان 24/6 و برای زنان 20/9 سالگی اعلام کرده<sup>1</sup> است.

روستا		شهر		سن ازدواج
زن	مرد	زن	مرد	
20/8	23/5	21	24/9	

دکتر مهدی امانی سن ازدواج را در ایران تا سال 2000، 25 سال پیش بینی کرده و فاصله سن متوسط ازدواج و بلوغ را 12 سال اعلام نموده اند و دو جنبه ی قابل توجه در این رابطه یکی مادر شدن با فاصله بعد از بلوغ است، جنبه ی دیگر اینکه ازدواج از حالت تصمیم گیرانه بیولوژیک به ازدواج شخصی (برون زا) تبدیل شده است. در 12 سال فاصله فوق دو عامل تحصیل و اشتغال زنان، قابل توجه هستند که تفاوت های اصلی سن ازدواج های حال با گذشته است.

سن ازدواج سه نسل مورد مطالعه نشان می دهد که در میان مردان نسل اول بیشترین درصد ازدواج (27/2 درصد) در سنین 20 - 16 سال اتفاق افتاده است و سپس 25 - 21 سال (17/5 درصد). در میان زنهای نسل اول 48/3 درصد بین 15 - 11 سال و 32/7 درصد بین 16 - 20 سال ازدواج کرده اند. در حالیکه سن ازدواج مردان در نسل دوم بالا رفته و 40 درصد آنها بین 21 تا 25 سالگی 42 درصد زنان نسل دوم نیز بین 16 - 20 سال ازدواج کرده اند. بطور کلی درصد ازدواج های مردان در سنین 21 تا 25 و 30 - 26 سال در طی سه نسل افزایش یافته و در سنین زیر 20 سال کاهش یافته است. و در میان زنان نیز درصد ازدواج

<sup>1</sup> - اعزازی ص 107

های کمتر از 15 سال طی سه نسل کاهش داشته است و بخصوص در نسل سوم که کاهش چشمگیر بوده و در سنین 16 تا 20 و 21 تا 25 سال بتدریج افزایش یافته است.

بیشترین تفاوت سن زن و شوهرها در نسل اول کمتر از 5 سال (بیشترین درصد 5 سال) و سپس 6 - 10 سال بوده است در حالیکه در نسل دوم بیشترین درصد تفاوت سن (46/6 درصد) زن و شوهرها 6 - 10 سال بوده است در حالیکه در نسل دوم بیشترین درصد (46/6 درصد) زن و شوهرها 6 - 10 سال و 23/5 درصد کمتر از 5 سال تفاوت دارند ولی بیش از نیمی از زن و شوهرهای نسل سوم، کمتر از 15 سال و پس از آن 40/6 درصد بین 6 تا 10 سال با هم اختلاف سن دارند. بطور کلی تفاوت سن زن و شوهرهای نسل اول و نسل سوم تشابه بیشتری دارند و هر چه اختلاف سن زن و شوهرها بیشتر می شود فراوانی آنها کمتر می شود. ولی در نسل سوم شدت کاهش فراوانی بیشتر است.

کمترین سن ازدواج در نسل دوم در میان زنان 9 سال بوده و بالاترین سن 45 سال است. و در بین پدران نسل اول پائین ترین و بالاترین سن ازدواج مردان 15 و 45 سالگی است و در میان زنان 13 و 45 بوده است. پس از بررسی و مقایسه سن ازدواج سه نسل مورد مطالعه از پاسخگویان (پاسخگوی زن و مرد) سؤال شد که مناسبترین سن ازدواج به نظر آنها برای پسران و دختران چه سنی است؟ همچنین تفاوت نظر پاسخگویانی که متولد شهر و روستا هستند نیز مورد توجه قرار گرفته است. آمار نشان می دهد که هر چه سن ازدواج برای پسران بالاتر می رود تعداد پاسخگویان مردی که منشاء روستایی دارند کم می شود و بالعکس آنهایی که محل تولدشان شهر است درصدشان افزایش می یابد. (این روند برای متولدین روستا 29 - 25 سالگی است) از بین پاسخگویان مردی که سن مناسب ازدواج را برای پسران 19 - 15 سال می دانند 83/3 درصد متولد روستا و 16/7 درصد متولدین شهرها هستند. از میان پاسخگویان مردی که سن مطلوب ازدواج را برای پسران 29 - 25 سال می دانند و 31/1 درصد منشاء روستایی و 68/9 درصد منشاء شهری دارند.

این امر در مورد سن ازدواج دختران نیز صادق است. درصد پاسخگویان مرد متولد روستا هر چه سن مطلوب ازدواج برای دختران را بالاتر می رود کمتر می شود، و بالعکس درصد پاسخگویان مردی که منشاء شهری دارند افزایش می یابد.

کی دو محاسبه شده در جدول نیز این رابطه را معنی دار نشان می دهد. (جدول شماره 3).

نظر پاسخگویان زن نیز درباره رابطه سن ازدواج با منشاء (محل تولد) آنها کاملاً صادق است کی دو محاسبه شده نیز این رابطه را معنی دار نشان می دهد که درصد زنانی که منشاء روستایی دارند هر چه سن ازدواج بالاتر برود، کمتر می شود (مطلوبیت تا سن 29 - 25 است) و بالعکس زنان متولد شهر هر چه سن ازدواج بالا برود درصد شان بیشتر می شود.



## تعداد ازدواج و علت ازدواج مجدد سه نسل

یکی از سئوالهایی که در ازدواج و امر همسرگزینی مطرح می شود این است که فرد چند بار ازدواج کرده است؟ و اگر پیش از یکبار ازدواج کرده علت آن چیست؟ این سئوالات درباره افراد سه نسل مورد مطالعه پرسش شده است و فرض بر این بوده که در گذشته تعدد ازدواج بیش از امروز صورت می گرفته است. بخصوص زمانی که بطور مثال تعداد فرزندان بیش از 10 فرزند اعلام شده در اغلب موارد اظهار شده که این تعداد فرزند حاصل بیش از یک ازدواج بوده است با مقایسه آمار سه نسل می خواهیم بدانیم در کدامیک از سه نسل تعدد ازدواج رایج تر بوده، و از این جهت چه تفاوتی بین زن ها و مردها وجود دارد. و علت آن چیست؟ کدامیک از سه نسل به بقا زندگی خانوادگی با ازدواج اول وفادارترند؟ این مقایسه در جامعه مورد مطالعه نشان می دهد که در تمام زندهای نسل دوم و سوم بیش از دوبار ازدواج ثبت نشده است. اکثریت (بیش از 90 درصد) مردان و زنان نسل دوم و سوم یک بار ازدواج کرده اند.

در نسل اول 79/0 مردان و 93/8 درصد زنان یکبار ازدواج کرده اند. در میان مردان نسل اول تا 10 بار ازدواج مجدد و در مورد زنان تا سه بار ازدواج مجدد دیده شده است.

**جدول شماره 4 - توزیع درصد دفعات ازدواج سه نسل به تفکیک جنس**

نسل سوم		نسل دوم		نسل اول		نسل و جنس
98/3	98/5	95/0	91/9	93/8	79/0	یکبار
1/7	1/5	5/0	8/1	5/8	16/0	دوبار
---	---	---	---	0/4	2.8	سه بار
---	---	---	---	---	2/2	چهار تا ده بار
100/0	100/0	100/0	100/0	100/0	100/0	جمع

عمده ترین علت ازدواج های مجدد در بین مردان نسل اول فوت همسر و بعد از آن داشتن چند همسر عقدی

و صیغه ای با هم بوده است و پس از آن علت ازدواج مجدد را طلاق ذکر کرده اند.

ولی در بین زنان نسل اول علت عمده را فوت همسر و پس از آن طلاق ذکر کرده اند. در مردان نسل دوم نیز علت عمده ابتدا فوت همسر و سپس طلاق بوده و درصد کمی نیز چند همسر صیغه و عقدی همزمان داشته اند در مردان نسل سوم طلاق همسر شیوع بیشتری دارد.

## دایره ی همسر گزینی:

مطالعه دامنه ی جغرافیایی گزینش و انتخاب همسر چه توسط فرد و چه توسط اعضاء خانواده و خویشاوندان

وی در طی سه نسل به روشنی نشان می دهد که:

زوجهایی که از میان افراد هم ولایتی شان همسر اختیار کرده اند در هر سه نسل بیشترین تعداد را در

مقایسه با سایر زوجها دارند که البته نسبت آن در این نسل ها متفاوت است. بدین معنی که در نسل اول 88 درصد

افراد با هم ولایتی هایشان ازدواج کرده اند، و بیش از 58 درصد افراد نسل دوم و بالاخره 69 درصد افراد نسل سوم

اینگونه ازدواج کرده اند. و بدین ترتیب می بینیم که ازدواج با فرد هم ولایتی در نسل دوم نسبت به نسل اول

نزدیک 30 درصد کاهش نشان می دهد، ولی از سوی دیگر نسل سوم نسبت به نسل دوم بمیزان 11 درصد بیشتر

باهم ولایتی خود ازدواج کرده اند .

البته در تحلیل وجود یک چنین وضعیتی با توجه به پاسخهای گردآوری شده مربوط به افراد هر نسل و نیز

با توجه به ارقام جدول شماره ی 4 که مربوط به افراد دخالت کننده در انتخاب همسر می باشد به این مطالب

پی می بریم که :

در زمانهای گذشته (دوران جوانی افراد نسل اول) میزان مهاجرت و جابجایی بسیار کمتر از دوره های بعد

بوده است و لذا والدین در آن دوران غالباً تنها در محدوده ی جغرافیایی شهر یا روستای محل تولد و زندگی خود

برای فرزندانشان همسر انتخاب می کرده اند و به این ترتیب میزان ازدواج افراد جوان نسل اول با هم ولایتی های

خود قابل ملاحظه بوده است .

اما از آنجایی که در دوره ی جوانی افراد نسل دوم به دلیل رواج بیشتر امر مهاجرت و جابجایی، این افراد بیش

از نسل قبلی، امکان انتخاب همسر در خارج از شهر و دیار خود را نیز داشته اند. می بینیم که همسران حدود

40 درصد افراد این نسل متولدین مناطق شهری یا روستایی مختلف هم زبان و یا غیر هم زبان با ایشان می باشند.

از طرف دیگر اکثر افراد نسل سوم طبق جدول شماره ی 4، یعنی بیش از 75 درصدشان متولد تهران هستند

و طبق ارقام جدول شماره 4 حدود 33 درصد شان فقط با نظر خودشان و بدون دخالت دیگران از میان دختران و



پسران همشهری (عمدتاً تهرانی) خود که بطور مکرر در یک محله، مسیر رفت و آمد روزانه، اماکن عمومی، محل تحصیل، کار و ... امکان دیدار یکدیگر را داشته اند همسران خود را انتخاب کرده اند .

در واقع افراد نسل اول که غالباً محل تولد و محل زندگیشان یکی بوده است و همینطور اکثر افراد نسل سوم (75/3 درصد شان متولد شهر تهران هستند) نیز که محل تولد و محل زندگیشان تا کنون یک محل بوده است بیشتر با هم ولایتی های خود ازدواج کرده اند . منتهی گروه اولی بیشتر با دخالت والدین و بزرگترهایشان و گروه دوم اغلب با نظر خودشان این انتخاب ها را انجام داده اند .

با توجه به ارقام جدول شماره 6 که مربوط به نوع نسبت افراد با همسرانشان در طی سه نسل می باشد دو نکته برجسته و قابل تامل مشاهده می شود:

نکته اول اینست که در نسل اول و نسل دوم تعداد ازدواج های با دختران و پسران از میان خویشاوندان پدری حداقل 1/5 برابر تعداد ازدواج های با دختران یا پسران از میان خویشاوندان مادری بوده است. حال آنکه در نسل سوم این میزان بر عکس شده است. یعنی میزان ازدواج با اقوام مادری تقریباً 1/3 برابر میزان ازدواج با اقوام پدری افراد می باشد.

اگر بپذیریم که یکی از ملاکهای انتخاب همسر مقبولیت و پذیرش طرف مقابل و خانواده وی می باشد بنابراین افزایش میزان ازدواج با اقوام مادری نسبت به گذشته را می توان حاکی از پذیرش بیشتر نظر و تمایل مادران (زنان) و نیز تقویت نقش تصمیم گیری ایشان دانست.

نکته دوم، گسترش بیشتر دامنه ی همسرگزینی فراتر از شبکه های خویشاوندی و به شبکه های دوستان، همکاران و ... می باشد که تدریجاً از نسل اول به نسل دوم و بعد به نسل سوم افزایش قابل توجهی داشته است.

**جدول شماره 5: توزیع افراد سه نسل بر حسب هم ولایتی بودن یا نبودن با همسرانشان**

نسل سوم		نسل دوم		نسل اول		شرح
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
69/0	401	58/5	221	88/0	670	هم ولایتی هستند (هر دو از یک روستا یا از یک شهر)
6/2	36	15/3	58	4/8	37	از مناطق شهری یا روستایی مختلف یک استان

6/5	38	7/1	27	1/0	4	از مناطق شهری یا روستایی دو استان مختلف غیر هم زبان
16/5	96	17/5	66	5/2	39	از مناطق شهری یا روستایی دو استان مختلف هم زبان
0/7	4	0/5	2	0/7	6	غیر هم وطن
1/1	6	1/1	4	0/3	2	سایر
100/0	581	100/0	378	100/0	761	جمع







برای بازخوانی و تطبیق آمار سه نسلی این جدول ذکر یک نکته حائز اهمیت است:

همانطور که مشاهده می‌کنیم بیش از 40 درصد مردان نسل اول بدون دخالت دیگران و فقط بنا به میل و نظر خودشان همسر انتخاب کرده‌اند.

از آنجا که بیش از 21 درصد مردان نسل اول مورد مطالعه بیش از یکبار ازدواج کرده‌اند و در این مطالعه نیز مشخصات وضعیت آخرین ازدواج افراد (اعم از زن یا مرد) ثبت شده است از اینرو در مورد این گروه تمام مشخصات ازدواج‌های دوم الی دهم ایشان از جمله نحوه آشنایی آنها با همسران جدیدترشان گردآوری شده است و لذا طبیعی است که ازدواج‌های بعدی خود افراد استقلال رای و عمل و حق انتخاب بیشتری حتی به لحاظ قانونی<sup>1</sup> داشته باشند. در ضمن، این رقم در مورد زنان نسل اول به این معنی است که:

شوهران بیش از 40 درصد زنان نسل اول بدون دخالت دیگران آنها را دیده و انتخاب کرده‌اند. این تعبیر تنها در مورد (( زنان نسل اول)) صادق می‌باشد.

دلایل فوق را می‌بایست در مورد بالاتر بودن رقم مربوط به این مقوله را در بین افراد نسل اول مد نظر قرار دهیم. گذشته از مورد (( انتخاب همسر طبق نظر خود فرد و بدون دخالت دیگران)) که بیشترین فراوانی را در مقایسه با سایر مقولات در طی هر سه نسل دارد و تدریجاً نیز افزایش یافته است.

دومین شکل آشنایی به لحاظ عمومیت بیشتر در میان افراد هر سه نسل ((خویشاوند بودن و وجود رابطه‌ی خویشاوندی قبلی بین زوجها)) می‌باشد.

با توجه به نوع پاسخها و نیز با نگاهی به ارقام جدول شماره 8 (مربوط به افراد انتخاب همسر) تحلیل این تشابه در سه نسل به دقت بیشتری نیازمند است:

وصلت با افراد خویشاوندی بین افراد نسل اول و نسل دوم غالباً بنا به تمایل والدین و اقوام و طبق قواعد مرسوم صورت می‌گرفته است. وجود ضرب المثلها و باورهای نظیر اینکه:

---

<sup>1</sup> . برای مثال طبق قانون ازدواج اول دختران بدون اجازه پدرانشان (حضوراً یا طی یک سند کتبی) ممکن نیست. ولی این ضرورت و اجبار در ازدواج‌های بعدی ایشان وجود ندارد.

عقد دختر عمو و پسر عمو در آسمانها بسته شده است و نیز ارجحیت ازدواج های درون شبکه های خویشاوندی با هدف حفظ اصالت های خونی و نیز حفظ مال و اموال موروثی و.. انگیزه ی گرایش افراد به ازدواج های درون گروهی و فامیلی بوده است.

در حالی که در نسل سوم، در عین بالا بودن میزان ازدواج با افراد خویشاوند، بطوری که به لحاظ جمعیتی در ردیف دوم فراوانی قرار دارد، میزان آن نسبت به نسل اول و دوم بین 5 تا 7/5 درصد کاهش نشان می دهد. به رغم وجود پشتوانه تمایلات سنتی در این زمینه یکی از عوامل موثر در این کاهش تمایل را می توان اعلام نتایج پزشکی در زمینه ی عواقب ژنتیکی خطرناک وصلت افراد هم خون و نزدیک خویشاوند دانست. زیرا با رشد سطح آگاهی و دانش عمومی در جامعه از میزان بی اعتنایی به دستاوردهای علمی در همه ی زمینه ها کاسته می شود.

به همین دلیل طبق اطلاعات جدول شماره 6 مشاهده می کنیم که میزان ازدواج با خویشاوندی دورتر (عمدتاً با رابطه سببی) در نسل سوم افزایش یافته است.

با توجه به این روند می توانیم چنین نتیجه گیری کنیم که:

می توان پذیرفت که شبکه ها و روابط خویشاوندی با توجه به ویژگیهای فرهنگی اجتماعی و عرفی و شرعی خانواده های ایرانی هنوز از زمره ی قویترین و مناسبترین عرصه های آشنایی، شناخت عمیق تر، و تماس اعضاء جوان غیر هم جنس آنهاست.

اما این نقش و کارکرد شبکه خویشاوندی و رابطه ی فامیلی با آنچه که در گذشته وجود داشته متفاوت است. در گذشته نگاه به خویشاوندی و روابط فامیلی بیشتر یک نگاه ارزشی و تعصب آلود و فراتر از موجودیت فرد اعضاء آن بوده است ولی به تدریج همپای تحولات گسترده بیرونی و درونی در زوایای مختلف اجتماعی، اقتصادی و عاطفی حاکم بر نهاد خانواده و خویشاوندی کیفیت ارزشگذاری و نگرش بر آن نیز تغییر کرده است. نسل جوان امروز، ازدواج در درون شبکه خویشاوندی را از وظایف خود نمی داند و آنرا به مثابه رسم و رسوم رعایت نمی کند بلکه از امکانی که این شبکه برای معاشرتهای آزادتر و مشروعرتر با غیر هم جنسهای وی که لازمه ی انتخاب آگاهانه تر همسر می باشد فراهم می کند در جهت منافع فردی خود بهره می برد.

بدین ترتیب است که می بینیم در این زمینه، به رغم تغییر کیفی نگرش اعضاء جوان به نهاد خانواده خویشاوندی کماکان نقش و کارکرد ارتباطی این نهاد (اگر چه در شکل و قالب متفاوت) تداوم یافته است و کارایی دارد.

در عین حال نقش دوستان خانوادگی، همسایگان و همکاران والدین یا همکاران خواهران و برادران به عنوان معرفهای دو خانواده دختر و پسر طی سه نسل عموماً بیشتر شده است.

در این میان تاثیر نظر دوستان خانوادگی افراد نسل سوم در انتخاب همسر برای ایشان در مقایسه با گذشته و نیز در مقایسه با سایر معرفیها و حتی (( افراد فامیل)) بطور چشمگیری افزایش یافته است (22/5 درصد سهم دوستان معرف، در مقابل 7 درصد افراد فامیل معرف).



جدول شماره 7 شکل ها و راههای آشنایی سه نسل با همسران را نشان می داد ولی این جدول افرادی را معرفی می کند که بیشترین نقش را در انتخاب نهایی همسر برای افراد مورد مطالعه داشته اند .

همانطور که مشاهده می شود سهم پدران در انتخاب همسر برای افراد نسل دوم تقریباً بیش از دو برابر نسل اول<sup>1</sup> می باشد. این میزان در نسل سوم نسبت به نسل دوم کاهش و نسبت به نسل اول افزایش یافته است.

نقش مادر در انتخاب همسر برای فرزندان بتدریج طی سه نسل کاهش یافته است.

در مجموع نقش اعضاء خانواده (مثلاً برادر) و اقوام (مثل عمو) نیز در انتخاب همسر برای افراد نسل سوم کاهش یافته است.

مجموع نظرات پدر و مادر در انتخاب همسر برای فرزندان خود در نسل اول و دوم بالاترین نقش را نسبت به سایر موارد و افراد داشته است. تنها در مورد نسل سوم است که میزان تعیین کنندگی نظر خود فرد (دختر یا پسر) در انتخاب همسر برای خودش بیشتر از نظر پدر و مادر او می باشد. بدین ترتیب به نظر می رسد که امروزه والدین، حق انتخاب همسر برای فرزندان را به خود آنها واگذار کرده اند.

در اینجا این سؤال پیش می آید:

- آیا با این تفویض اختیار از جانب والدین به فرزندان ناچاراً و علیرغم میل والدین اتفاق افتاده است یا نه؟

به عبارت دیگر آیا فرزندان نسل امروزی به نظرات والدین خود تن نمی دهند؟

پاسخ به این سؤال مستلزم پژوهش دیگری در این زمینه می باشد.

نقش دوستان و همسایه ها در انتخاب همسر برای افراد در طی سه نسل تدریجاً افزایش پیدا کرده است. در نسل اول و دوم مواردی نظیر ناف بری، نقش مشاطه گرها و دلاکهای حمام و... در معرفی دختران به خانواده های پسر دار مشاهده می شود که نمونه های آن در نسل سوم مورد مطالعه ما وجود ندارد.

---

<sup>1</sup> . این رقم تا حدی به ازدواجهای بعدی افراد نسل اول مربوط می شود.

## منابع فارسی

- 1- ادیبی، حسین، و انصاری، عبدالمعبود. 1358. نظریه های جامعه شناسی. (تهران: انتشارات جامعه، چاپ اول).
- 2- اعرازی، شهلا، 1376. جامعه شناسی خانواده با تاکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. (تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان).
- 3- امانی، مهدی. شکل و تحول خانواده در ایران. (تهران: 1349).
- 4- انگلس، فریدریک. 1357. منشاء خانواده، مالکیت خصوصی و دولت، در پرتو بررسی های لویس مورگان. ترجمه ی م. احمد زاده، ؟، چاپ دوم.
- 5- بهنام، جمشید. 1352. ساختهای خانواده و خویشاوندی در ایران. تهران: انتشارات خوارزمی، چاپ دوم، دیماه.
- 6- پرهام، باقر. 1372. نقد کتاب: (( خانواده، تغییر ساخت و مقاومت بافت خویشاوندی و نظام ارزشها، تالیف دکتر جمشید بهنام، پاریس: یونسکو، 1992. کلک، ماهنامه ی فرهنگی و هنری. تهران: صنوبر، شماره 37، فروردین.
- 7- تقوی، نعمت الله، 1374. جامعه شناسی خانواده. تهران: دانشگاه پیام نور.
- 8- رابرتسون، یان. 1374. درآمدی در جامعه، با تاکید بر نظریه های کارکردگرایی، ستیز، کنش متقابل نمادی ترجمه حسین بهروان. مشهد: انتشارات موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ دوم.
- 9- ساروخانی، 1370. باقر. مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده. (تهران: انتشارات سروش، چاپ اول).

## منابع لاتین

- 1- Allan Graham ( edited by). The Sociology of the Family A Reader. Uk, oxford; Black well:2000
- 2- Haralambos, M.with R.M, Heald. Sociology Themes and perspectives. ( F.P 1980 ;)P. oxford university, 1991